

قالی کاشان در قرن کنونی

تحول صنایع نساجی و قالی بافی دو قرن اخیر
عوامل ترقی و تکامل و هنرمندان وابسته باین صنایع

حسن نراقی

و هنر «کاشان را با شهر صنعتی لیون فرانسه که مرکز صنایع مهم نساجی ابریشمی فرانسه است برابر و همدوش شمرده .

در اواسط قرن سیزدهم هجری بافندگان کاشان پارچه نوظهوری بافته بودند که کتاب گنج شایگان تألیف آقای جمالزاده درباره آن مینویسد : «در کاشان یک نوع پارچه دیگر نیز میبافتند موسوم به «دارائی» که بمناسبت نقشهای شعله مانندش دارای مرغوبیت زیادی است و دیگری شالهای کاشان مشهور بشالهای حسینقلی خانی مشهورترین شالهای ایران است و بر تمام منسوجاتی که در ایران بافته میشود از حیث صنعت برتری دارد و حسینقلی خان اسم نقاش مشهوری بوده است . در نیمه دوم همان قرن نیز که بر اثر ورود قماشهای کارخانجات اروپا منسوجات داخلی رواج و رونق خود را از دست میداد بافندگان کاشان ابتکار دیگری بخرج داده که ماهوت خارجی را شکست دادند و اینک تفصیل آن بطوریکه ضمن وقایع زندگانی میرزاتقی خان امیر کبیر نوشته شده اینست که :

«حاجی محمد حسین کاشانی پارچه ای از پنبه و کج در کاشان ترتیب داده و بافته بود که ضخامتش از ماهوت کمتر نبود ولی لطافتش بیشتر و دوامش بمراتب زیادتر بود . امیر این پارچه را پسندیده و زائدا الوصف توصیف کرده و قیمت دوهزار ثوب کلیجه برای اهل نظام برسم علی الحساب بحاج مشارالیه دادند که تمام کند . هر ثوب کلیجه چهار هزار و پانصد ریال تمام میشود» . ولیکن پس از کشته شدن امیر کبیر که افکار بلند او هم نقش بر آب شد دستگاه صنعتی کاشان نیز که در برابر سیل واردات از خارج کشور دیگر نگهبان و پشتیبانی نداشت دستخوش کساد و پراکندگی گشته و آماده پذیرفتن یک تحول اساسی گردید .

نساج اروپایی در پرده دل پیچد
زین شهر بدست آرد گر پارچه خلقان

ادیب بیضائی

در قسمت اول این مقاله اشاره شد که قالی های گرانبها در آغاز کار از تجملات شاهانه بوده . همچنانکه شیخ بزرگوار شیراز در کتاب گلستان فرماید :

خونت برای قالی سلطان بریختند

ابله چرا نخسی بر بورای خویش

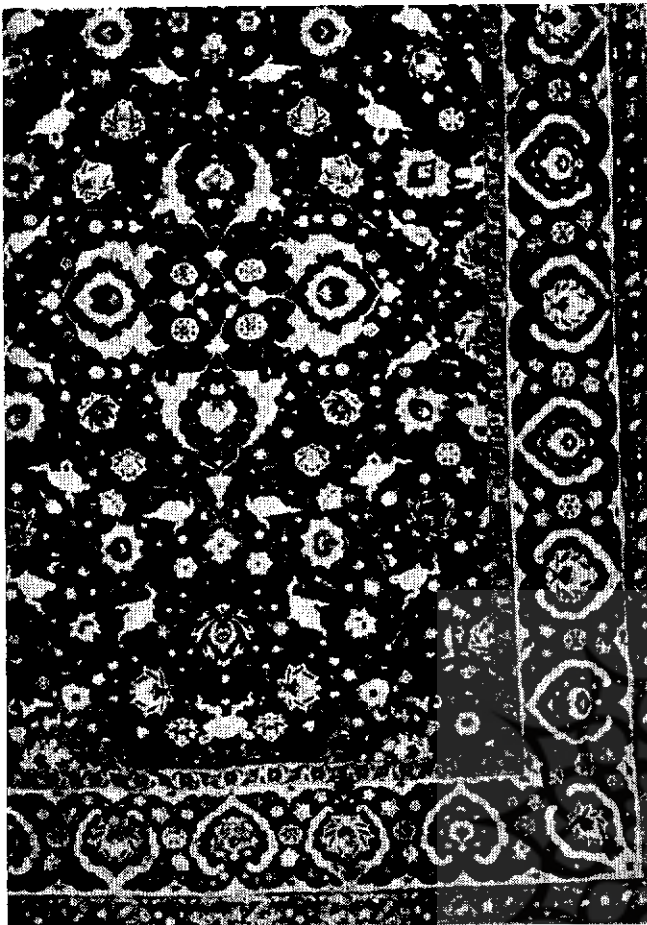
و سپس نیز زینت بخش زندگانی های اشرافی گردید . از این جهت پس از سقوط سلطنت باشکوه صفویه ، بافتن قالی های ابریشمی و زریفت هم در کاشان چنان متروک گردید که تا پایان قرن سیزدهم هجری بدست فراموشی سپرده شد . چه آنکه علاوه بر آشوب و آشفتگی های ممتدی که سرتاسر ایران را به هرج و مرج افکنده بود ، شهر کاشان بخصوص بر اثر خرابی و تلفات زلزله شدید سال ۱۱۹۲ و بدنبال آن هم از قحطی و امراض مسری و فقر و بیبوابی از پا در آمده و باوضع دلخراشی بستمیرد . ولی در همان حال و احوال هم بافندگان هنرمند آن شهر باقتضای زمان ، صنایع باستانی خود را یکی بعد از دیگری براه انداختند . چنانکه سرجان ملکم انگلیسی که آن ایام کاشان را باوضع خراب و ویرانی دیده و اظهار تأسف کرده است با اینحال درباره صنایع آن میگوید : «ابریشم و قالی کاشان اشتها دارد . محصول ابریشم کاشان بلافاصله بعد از رشت قرار دارد . از مخمل و سایر منسوجات اروپا در این شهر بهتر بنحوی تقلید شده است چه مردم این شهر صنعتکار ، هنرمند و اهل ذوق هستند» .

ولتر فیلسوف و نویسنده بزرگ قرن هیجدهم فرانسه دریکی از آثار خود بنام «ایران یک کانون جاودان فرهنگ

در چنین وضع و شرایطی دوره قالی‌بافی کنونی آغاز میگردد :

در آن روزها یکی از بازمندگان محتشم ، شاعر بزرگ و مرثیه‌سرای نامی کاشان بنام حاجی ملاحسن محتشمی که همسر او اهل انجندان اراك و در قالی‌بافی محلی اراك استاد بود ، يك كارگاه قالیچه‌بافی در کاشان برپا ساخت و بجای پشم با ابریشم که وسایل آن در کاشان فراهم بود بافته و تمام کرد . محتشمی چون هر سال به تهران مسافرت میکرد و در تعزیه‌داری تکیه دولت دوازده بند مرثیاتی محتشم را میخواند از این راه شاه‌شناس بود اولین قالیچه ابریشمی بافت کاشان را پیشکش ناصرالدین‌شاه نمود و با دریافت خلعت شاهانه و پاداش شایسته‌ای مورد تشویق قرار گرفت . پس از آن قالیچه دوم هم که بافته شد به اتابک تقدیم نمود و همچنین قالیچه‌های دیگر را نیز که آماده میشد باقیمت‌های خوبی به‌امرا و شاهزادگان و ثروتمندان میفروخت . وقتی که این کار شهرت و رونقی پیدا کرد محمدتقی پشתי‌باف که دارای کارخانه مخمل و پشתי‌بافی مفصلی بود با محتشمی شریک شده کارگاه‌های متعدد قالی‌بافی دایر نمودند . از طرفی هم خانواده‌های کارگری کاشان باین پیشه و هنر که مانع زندگی داخلی و خانه‌داری زنها نبود رو آوردند و بزودی قالی‌بافی چنان گسترش یافت که خانواده‌های متوسطین هم برای سود و سرگرمی خود آنرا استقبال نمودند .

اولین پارتی‌های قالیچه و پشתי‌های صادراتی هم که بوسیله حاجی مانده‌علی‌آقای کاشانی باسلامبول رسید خریداران خارجی را بخود جلب کرد و از آنجا نیز تقاضا و سفارشهای پی‌درپی برای خرید قالی شروع شد . سپس بواسطه تنوع در نقشه و رنگ آمیزی و قالی‌های بزرگ پارچه که در بازارهای اروپا عرضه شد شهرت قدیمی قالی‌های ابریشمی کاشان را که لرد گرنز درباره آنها گفته است (لطیف‌تر و ظریف‌تر از آنها منسوجی از دست انسانی بیرون نیامده است) دوباره زنده و بلندآوازه ساخت . طرح و نقشه‌های دلپذیر قالی‌های این دوره کار دوبرادر بنام میرزا احمد و میرزا علی‌اکبر بود که از کودکی به قلمدان‌سازی و نقاشی رنگ و روغن که شغل موروثی آنها بود اشتغال داشتند و در نقشه‌کشی برای قالی هم همان سبک و زمینه قالی‌های قدیم را پیروی میکردند . همین که بافندگان زیاد شدند و کار قالی‌بافی بالا گرفت برخی از آنها دست بکار بافتن قالی‌های پشمی که سهل‌تر و کم‌خرج‌تر و خریدار هم بیشتر داشت شدند ، و طولی نکشید براهنمایی ذوق هنری خود ، عالی‌ترین نوع قالی پشمی را از نخهای پشم خارجی که بنام كرك منجستر معروف بود بافتند . این قالی‌ها از لحاظ جلوه رنگ آمیزی و نرمی جنس و زیبایی از قالی‌های ممتاز ابریشمی کمتر نبود . و همچنین در آن اوقات قالی‌های زربفت اصل هم با ابریشم و گل‌آبتون طلا و نقره بافته شد که با قالی‌های زربفت قدیم



قالی ابریشمی بافت قرن دهم - کاشان

برابری مینمود .

پیرلوتی نویسنده و شاعر جهانگرد فرانسوی که این قالیها را در کاشان دیده در سفرنامه خود مینویسد: « در اینجا گنج‌های عالی را در برابر ما می‌گشایند . قالی‌های زیادی در کاشان بافته شده که مانند پروبال مرغان مگس‌خوار موج می‌زنند و آنها را در جلو ما میگسترانند » .

قالی‌های ابریشمی و کرکی ممتاز که در آن عصر بافته شده اکنون از فرشهای کهنه گرانبها بشمار میرود . چنانکه درباره يك تخته از آنها که سال گذشته در نمایشگاهی بمعرض تماشای مردم گذارده بودند مجله آلمانی چنین نوشته بود : « گرانبهاترین و زیباترین فرشهای جهان » .

« یکی از فروشگاههای بزرگ شهر کلن در آلمان غربی در حال حاضر نمایشگاهی از فرشهای بافت ایران تشکیل داده که شاید در تمام جهان بی‌نظیر باشد . در بین این ده قطعه فرش عالی ایرانی قالیچه ابریشمی

این غفلت و نادانی و یا خرابکاری در بازار عمومی فرش ایران انعکاس نامطلوبی بخشید از جمله لرد گرز در این باره چنین اظهار عقیده کرده :

«از آثار صنایع دستی ایران یگانه چیز قابل توجه قالی است . این متاع نفیس را سابقاً بانقشه‌های زیبای شرقی و رنگهای طبیعی نباتی تهیه میکردند و برای قصرهای مجلل انگلستان ، امریکا و فرانسه اسباب زینت بود . اما چند سالی است که رنگ مصنوعی آبی‌لین و نقشه‌های یکنواخت فرنگی ، قالی ایران را زمین زده است اگرچه از طرف دولت ایران برای جلوگیری از این مفاسد اقداماتی میشود» .

دولت ابتدا ورود جوهرهای آبی‌لین را قدغن نمود و سپس نیز به پیشنهاد مستشاران بلژیکی ، اداره گمرک ، صدور قالی‌های جوهری را ممنوع ساخت ولی در سال ۱۳۳۰ قمری صادرات آنها را با پرداخت سه درصد عوارض گمرکی آزاد گذارد و یکسال بعد این عوارض به شش درصد افزایش یافت و کلاس مخصوصی هم برای آموختن طرز رنگ‌رزیهای علمی و شناختن رنگهای اصل و شیمیائی و جوهر در اداره کل گمرک دایر گردید . این بحران هنوز بر طرف نشده بود که بواسطه درگیر شدن جنگ جهانی اول و بسته شدن راههای بازرگانی معاملات قالی با خارجه یکباره راكد و بی‌رونتق گردید . پس از آن نیز بر اثر تلفات قحطی و مجاعه و امراض مسری دستگاه نو بنیاد قالی‌بافی کاشان چنان از کار افتاد که قالی‌های ابریشمی و کرکی رانصف و نیمه و ناتمام از کارگاهها بریده به ثمن بخش فروخته شد و آنها را بمصرف زین و برگ اسبان و طشك و پالون چهارپایان رسانیدند .

از یافندگان نامی آن دوره ، قالی‌های این اشخاص ممتاز و بخوبی شهرت یافته بود . حاجی سید محمد مدیر علوی ، حاجی محمد علی فرشچی ، حاجی محمد حسین سمسار ، حاجی حسینعلی فرشچی .

آغاز دوره جدید قالی‌بافی و قالی‌های امریکایی پسند در پایان جنگ جهانی اول چون کشورهای اروپا گرفتار بحرانهای اقتصادی عواقب جنگ بودند فقط کمپانی‌های فرش فروشی امریکائی که پیش از جنگ قالی ایران را در بازارهای اسلامبول و لندن تهیه میکردند برای خرید آن بطور مستقیم متوجه بایران شدند ، و در مراکز مهم قالی‌بافی نمایندگی‌های مخصوصی دایر کردند تا کلیه مراحل قالی‌بافی طبق دستور وزیر نظر آنها انجام پذیرد .

این عاملین کمپانی‌های امریکائی که تعداد آنها در کاشان بالغ بر پانزده مؤسسه مستقل میگردد در حالیکه تاحدی موجب ترقی و رونق بخشیدن باین کسب و کار و پیشرفت‌های صنعتی و بازرگانی قالی‌بافی بودند بطوریکه اشتغال بآن از حدود شهر تجاوز نموده برای نخستین بار تا دهستانها و مزارع دور دست



قالی قرن یازدهم - کاشان

کاشانی دیده میشود که بیش از چهار متر مربع نیست و تار و پود آن با طلا بافته شده که بیش از یک میلیون گره دارد . این قالیچه کاشان شاید بیش از شصت سال پیش بافته شده و قیمتی که رویش گذاشته شده است هشتاد هزار مارک (بیست هزار دلار) میباشد . و تازه قابل فروش هم نیست شاید صاحب این قالیچه بی نظیر حق دارد که آنرا با زمرد گرانبها و یک تابلو نقاشی معروف هلندی (رامبراند) مقایسه نماید . دیدن این فرشهای ایرانی لذت روحی داشته و بیننده را مجذوب میکند» .

اما هنگامیکه بازار قالی باوج ترقی و رونق خود رسیده بود ناگهان بحران زبان‌آوری برخورد نمود از این قرار که : برخی از افراد سوء استفاده کننده در رنگ‌رزی مواد اولیه قالی پشم و کرک و ابریشم بجای رنگ‌های اصل نباتی قدیم ایران ، رنگهای غیر ثابت جوهری (آبی‌لین) که رنگ‌رزی با آنها سهل‌تر بود و ارزان‌تر تمام میشد بکار بردند . (آبی‌لین ماده‌ایست که از ذغال سنگ گرفته میشود و با آن چندین رنگ مصنوعی میسازند) .

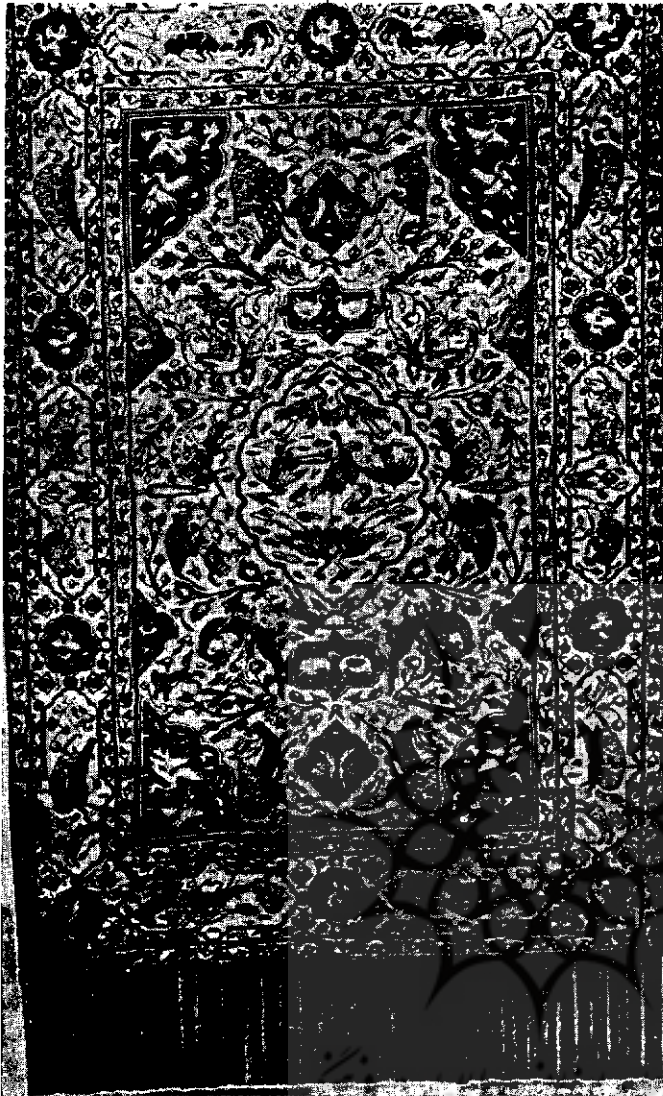


قالی ابریشمی کاشان - قرن یازدهم

آن رنگ و آب شفاف و جلوه گرم و گیرای قالی‌های قدیمی را پیدا کند .

بعلاوه آنکه خوب عمل آوردن رنگهای شیمیائی آلزیرین هم با کارگاههای ساده و اولیه و کارگران بی سواد کار آسانی نبود. در نقشه قالی نیز دو نوع تصرف نمودند یکی آنکه بوم قالی ساده و کم نقش و همگی یک رنگ (دوغی) بود و دیگر تعداد رنگ آمیزی که در قالی‌های قدیم تا سی رنگ سیرو روشن مختلف هم میرسید آنها را به تعداد هشت الی ده رنگ تیره و تند تقلیل دادند. تغییر در طرز بافت هم این بود که قالی‌ها کلفت و ضخیم و با خواب بلند بافته شد، و در نتیجه قالی‌ها با این شرایط بدست می‌آمد فاقد مزایای هنری و تاریخی و اوصاف خاص قالی‌های ایرانی بود و از لطافت و زیبایی فرشهای قدیم

هم معمول گردید ولی چونکه فقط پیرو سود آنی و عاجل خود بودند طرز کارشان به شکست و زیان صنعت قالی می انجامید . زیرا در اصول و ارکان آن مداخله و اعمال نظرهایی مینمودند که هر چند سود و سهولت کار را برای کارگران فنی اعم از بافنده و نقاش و رنگرز و مقاطعه کار را هم در برداشت ولی بالمال اعتبار این صنعت تاریخی را متزلزل میساخت بعلت آنکه : از جمله چهار عامل اصلی قالی یعنی پشم - نقشه - رنگ و بافت ، در سه رکن آن که رنگ و نقشه و بافت بود تغییری دادند که اصالت صنعتی و جنبه هنری و صبغه ایرانی بودن او را از بین میبرد . چه آنکه بجای رنگهای نباتی طبیعی ایرانی ، رنگ آلزیرین را بکار بردند . اگرچه این رنگ ثابت است ولی خصوصیات دیگر رنگهای نباتی را ندارد که پس از کهنه شدن



قالی ابریشم دوزی (اواسط قرن یازدهم) -
کلکسیون فرنچ وشرکاء

- کمک‌های مؤثر ذیل از اطراف به پشتیبانی آنها شتافته ، صنعت قالی‌بافی را دوباره به مسیر اصلی و تاریخی خود درآورد :
- ۱ - خریداران اروپائی قالی‌کاشان که نقشه‌های اصیل ایرانی و طرح‌های قدیم را با بافت ظریف و نازک می‌پسندیدند روز بروز رو بافرایش نهاد .
 - ۲ - رسیدن دستور و سفارش بافتن قالی برای کاخهای اختصاصی شاهنشاهی و مهمانخانه‌های شمال که همگی با نقشه و سبک قدیم بافته میشد .
 - ۳ - خامه‌های ماشینی و محصولات کارخانجات پشم‌ریسی داخلی که به بازار آمد در بهبود وضع پشم و قالی تأثیر بسزائی نمود .
 - ۴ - تأسیس شرکت سهامی فرش ایران که در آغاز کار زیر نظر کارشناسان فنی و افراد دلسوزی قرار گرفته بود گامهای

هیچگونه بهره‌ای نداشت و کاملاً برخلاف نظریه و توصیف محققانه پروفسور پوپ خاورشناس بزرگ امریکائی از قالی ایرانی بود که میگوید :

« این صنعت بیش از تمام صنایع خصایص مخصوص و رسوم تنوع قدیمی را در برداشته و مراحل مختلف زندگی و فرهنگ ایران را نشان میدهد . قالی‌های ایران روح حقیقی صنعت این کشور را مجسم میسازد . »

در مقابل این پیش‌آمد چند تن از کارشناسان محلی و بافندگان با بصیرت قدیمی در تلاش و کوشش بودند و آنها که در حدود شاید بیست درصد از کارگاههای قالی‌بافی را هنوز در اختیار خود داشتند با همان سبک و نقشه و رنگهای قدیم کار میکردند و بقدر نیرو و سرمایه خویش مقاومت نمودند تا آنکه

سری قالیچه‌های ذرع ونیمی ابریشمی فوق‌العاده ظریف و ریز بافت که از نرمی و لطافت مانند مخمل مینمود از کار درآورد و هر يك نخته از آنها تا مبلغ یکصد و پنجاه هزار ریال هم بفروش رسید .

اشخاص ذیل نیز از کارفرمایان پیشقدم این رشته هستند و قالی‌هاییکه در کارگاههای آنان بافته شده در داخل و خارج ایران کار ممتاز و درجه اول شناخته میشود :

محمدحسن فرشچی و پسران ، برادران عطائی ، آقامحمد دبیرالصنایع ، حاج محمدآقا توکلی ، آقای حسین اطمینان ، حاج آقا محمد وحسین اصفهانیان فروتن ، آقارضا صدقیانی ، سیدحسین ثابت و ملااسماعیل اوباکلیمی .

در جنگ جهانی دوم با آنکه مؤسسات کمپانی‌های امریکائی برچیده شد و بازرگانی خارجی و صادرات قالی هم متوقف گردید با اینحال برخلاف پیش آمد جنگ اول جهانی نه تنها لطمه‌ای بشغل قالی‌بافی وارد نساخت بلکه در نتیجه رکود معاملات بازرگانی خارجی از یکسو و بیم از تورم پول و اسکناس داخلی از سوی دیگر ، اغلب سرمایه‌های داخلی بمصرف خرید و ذخیره کردن قالی میرسید و قیمت آن (مانند بورس بی حساب معاملات زمین تهران در سالهای اخیر) مرتب روبه افزایش بود . از این جهت با وجود گرانی و تنگی و سختی آذوقه و خواربار بافنده و کارگر و سایر وابستگان بصنعت قالی‌بافی در آسایش و رفاهیت نسبی بسر بردند .

نقشه و نقاشی معروف

بطور کلی نقشه‌های محلی و اصلی کاشان از طرحهای قدیم و عهد صفویه الهام و مایه میگیرد و انواع مختلف آن هم عبارت بود از ترنج و محراب ، گلدانی و درختی ، شکار گاه و حیوان‌دار و گاهی نیز نقشه‌های اسلیمی و بندی و تقلید از نقشه‌های اختصاصی مراکز دیگر قالی‌بافی . اما در این ایام تغییر و تنوع آنها بحدی رسیده که هر چند واجد کمال زیبایی و دلپذیری است ولی مختصاتی برای انتساب بکاشان در آنها دیده نمیشود .

نقاشان نامی که بعد از جنگ جهانی اول تاکنون در کاشان بحسن سلیقه و هنرمندی معروف و نقشه‌های آنان ممتاز و مرغوب واقع شده اشخاص ذیل هستند که اغلب زبردست‌استادان بزرگ سابق مانند میرزا احمد و میرزا علی اکبر کار کرده‌اند .

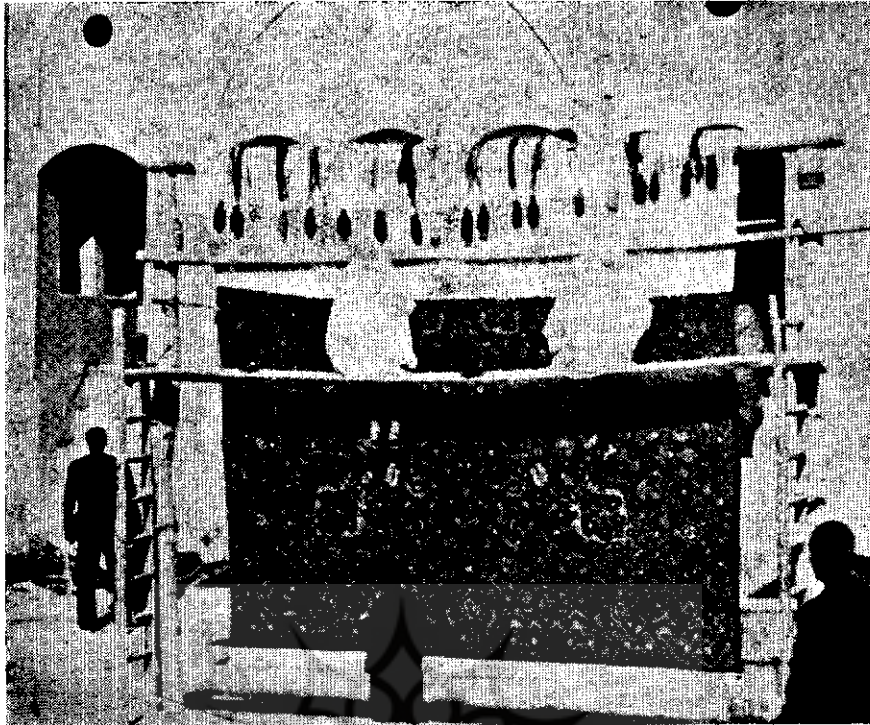
سیدرضاخان صانعی ، میرزا نصرالله‌خان فرزند میرزا احمد ، مرحوم دبیرالصنایع ، آقا رضا وفا فرزند میرزا علی اکبر ، مرحوم میرزا عباس صنیعی ، آقای مهدی صانعی ، محمد آقا صنیعی .

امتیاز دیگر برخی از این هنرمندان که باید متذکر شد بافتن تابلوهای صورتی و دورنما سازیست . این کار چون تخصص لازم دارد باید بافنده ، خود نقاش باشد و یا زیر نظر مستقیم نقاش که در بافندگی هم دستی داشته باشد کار خود را انجام



يك کارگاه قالی و بافنده آن

مؤثری برای پیشرفت این صنعت و راهنمایی به بافندگان برداشت . از جمله بازرگانان و بافندگان علاقمند که با شکیبایی و بردباری در این راه کوشش نمودند یکی مرحوم حاجی سید محمد مدیر علوی رئیس اطاق بازرگانی کاشان بود که حتی برای تکمیل اطلاعات فنی خود به تهران رفته در کلاس رنگرزی اداره کل گمرک شرکت نمود و اصول رنگ آمیزیهای علمی و شیمیایی را فرا گرفت و سپس هم در ترویج طرحهای قدیم و نقشه‌های شاه‌عباسی تهنیلاتی فراهم ساخت . همچنین برادر دیگر او حاج سید شکرالله بروجردی از افراد مؤثر در ترقی و پیشرفت این صنعت بشمار میرود . و نیز آقای حسن تفضلی که علاوه بر سرپرستی قالی‌های سفارشی اعلیحضرت فقید رضاشاه پهلوی و حسن انجام سفارشات زیاد کمپانی‌های صادرکننده يك



يك كارگاه كوني قالی بافی

هم چون بافندگان و تولیدکنندگان این کالا بخوبی دریافته و پی برده اند که حفظ منافع و ادامه آن از بی عیب بودن و خوبی و بلکه هر روز بهتر و مرغوب تر ساختن آن است از این جهت بقدر توانائی خود در انتخاب و بکار بردن مواد اولیه و دقت در رنگ و بافت که در اختیار آنان میباشد دریغ نمیورزند ولی جاییکه کمیت آنها لنگ و نیازمند بکمک های ارشادی و راهنمایی مستمر هستند موضوع نقشه و رعایت دقایق هنری و جنبه های عمومی و جهانی آن میباشد و این کار نیز بدون تحمیل هزینه فوق العاده ای برای دولت بخوبی میسر است زیرا مقامی که صلاحیت چنین کاری را دارد هنرهای زیباست که تمام وسائل لازم آنرا موجود دارد و یا با اندک توجهی فراهم میسازد تا نقشه های رنگین قالی های قدیمی و معروف جهان در یک نمایشگاه دائمی در دسترس نقاشان و بافندگان قالی گذارده شود و در مواقعی نیز با تشکیل سمینار و کنفرانسهای صنفی این هنرمندان زحمت کش را در جریان و قایع مربوطه و تحولات هنری خویش بگذارد تا این صنعت افتخار آمیز تاریخی که بطور دائم دستخوش تنوع و تطور است از کمک های ارشادی آن دستگاه ذی صلاحیت برخوردار گردد .

دهد . علاوه بر هنرمندان نامبرده کسان دیگر که در صورت بافی و دورنماسازی استاد و معروف هستند بانو صبیعی و رضا کاشف و محمد آقا قاسمی را باید نام برد و همچنین هنرمند نامی نظام افسری که هنرنمایی های او در این رشته مورد تحسین و تقدیر مجامع فنی و بین المللی نیز قرار گرفته است .

این نکته نیز ناگفته نماند که قالی های کاشان اکنون از قرار ذرعی سه هزار تا هشت هزار ریال ارزش دارد و معامله میشود و حتی قالی های ممتاز و گران بها و مرغوب تر هم میباشد و در حالیکه تفاوت قیمت تمام شده آنها برای بافنده حداکثر به ذرعی یک هزار ریال هرگز نمیرسد و بیش از هشتاد درصد این امتیاز و مرغوبیت مربوط به نقشه و رنگ آمیزی است که آن هم بستگی کامل به ذوق و سلیقه و سابقه و اطلاعات و چگونگی قلم نقاش دارد .

نتیجه و یک پیشنهاد سودمند

نظرباینکه موضوع قالی بافی و بازرگانی آن که یکی از کارهای حیاتی میلیونها مردم این سرزمین میباشد و بزرگترین رقم صادرات صنعتی و هنری ما را بوجود میآورد نمیتوان و نباید هم باسانی از آن چشم پوشید و یا بی اعتنائی نمود ، و از طرفی

